



The Efficiency of Financial Judgement enforcement System: A Review with Criticism of a Case of the Process of Implementing a Vote

Erfan Aryan Moghaddam *

Lawyer of the Center of Lawyers of the
Judiciary, Tehran, Iran.

Abstract

With the aim of evaluating the efficiency of the financial judgment enforcement system in Iran and identifying the obstacles and challenges in this process, this research has analyzed, in a descriptive-analytical manner, a real judicial case, and criticized the execution issued by the court and the steps of execution of the judgment. The data required for this research was collected through the study of case documents and the results of this research show that despite the existence of specific laws and regulations in the field of enforcement, this process faces serious challenges; For example, the unusual prolongation of the execution process, the lack of transparency of some legal concepts used in judicial documents, and the failure to identify and seize the property of the convicted person are among the most important challenges. Also, the executive criticism issued in terms of form and substance indicated the existence of deficiencies in the writing and content of this document. Finally, according to the findings of the research, the researcher has made suggestions to improve the execution process. These suggestions include simplifying the legal language used in judicial documents, using new technologies in the implementation process, clarifying laws and strengthening cooperation between different institutions. With the implementation of these suggestions, we can hope for a significant improvement in the performance of the financial judgment enforcement system and an increase in the satisfaction of justice clients.

Keywords: enforcement process, court judgement, execution of financial rulings, obstacles to enforcement, case review

Received: 07/December/2024

Accepted: 18/February/2025

eISSN: 2783-4204

ISSN: 2783-3631

کارآمدی نظام اجرای احکام مالی: بررسی با نقد موردی روند اجرای یک رأی

عرفان آریان مقدم* | کارآموز و کالت مرکز وکلا قوه قضائیه، تهران، ایران.

چکیده

این پژوهش با هدف ارزیابی کارآمدی نظام اجرای احکام مالی در ایران و شناسایی موانع و چالش‌های موجود در این فرایند، به صورت توصیفی-تحلیلی، با بررسی دقیق یک پرونده قضایی واقعی، به نقد اجراییه صادره از دادگاه و مراحل اجرای حکم پرداخته است. داده‌های موردنیاز این پژوهش از طریق مطالعه اسناد و مدارک پرونده جمع‌آوری شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که علی‌رغم وجود قوانین و مقررات مشخص در حوزه اجرای احکام، این فرایند با چالش‌هایی جدی مواجه است. برای مثال، طولانی شدن غیرمعمول روند اجرا، عدم شفافیت برخی از مفاهیم حقوقی به کاررفته در اسناد قضایی و ناکامی در شناسایی و توقیف اموال محکوم‌علیه، از جمله مهم‌ترین این چالش‌ها هستند. همچنین، در نقد اجراییه صادره از نظر شکلی و ماهوی، حاکی از وجود نواقصی در نگارش و محتوای این سند بوده است. درنهایت، پژوهشگر با توجه به یافته‌های حاصل از پژوهش، پیشنهادهایی را جهت بهبود روند اجرای احکام ارائه کرده است. این پیشنهادها شامل ساده‌سازی زبان حقوقی به کاررفته در اسناد قضایی، بهره‌گیری از ایده‌های نوین در فرایند اجرا، شفاف‌سازی قوانین و تقویت همکاری بین دستگاه‌های مختلف است. با اجرایی شدن این پیشنهادها می‌توان به بهبود چشمگیر عملکرد روند اجرای احکام مالی و افزایش رضایت‌مندی مراجعین امیدوار بود.

کلیدواژه‌ها: اجرای احکام مالی، رأی قضایی، روند اجرا، موانع اجرای احکام، نقد موردی

مقدمه

حکم قطعی دادگاه به‌عنوان نتیجه یک دادرسی، نمادی از پیروزی حق و برقراری عدالت است؛ اما این پیروزی، تنها در صورتی کامل می‌شود که حکم به مرحله اجرا گذاشته شود. اجرای احکام دادگاه‌ها، یکی از ارکان اساسی نظام قضایی ایران محسوب می‌شود که نقطه عطف تحقق عدالت و عملیاتی شدن آراء قضایی است. فردی که به دنبال احقاق حق پایمال شده خود به دادگاه پناه می‌برد، تنها با کسب یک برگ حکم قانع نمی‌شود. ارزش واقعی یک حکم در اجرای آن نهفته است؛ چراکه اجرای حکم است که حق را از چنگک ظالم بیرون کشیده و به صاحب اصلی آن بازمی‌گرداند؛ بنابراین، می‌توان گفت مرحله اجرا، نه تنها به اندازه صدور حکم بلکه مهم‌تر از آن است. تا زمانی که یک حکم قضایی به مرحله اجرا نرسد، عدالت در عالم واقع محقق نخواهد شد و فرد مظلوم همچنان در حسرت احقاق حق خود خواهد ماند (یوسفلی، ۱۳۹۲).

با وجود اهمیت اجرای احکام، همواره این مرحله از روند دادرسی با چالش‌هایی همراه بوده است. به همین دلیل، نقد و بررسی دقیق فرایند اجرا، به‌ویژه از منظر اجراییه صادره از دادگاه‌ها، ضرورتی انکارناپذیر است. این تحقیق با هدف شناسایی نقاط قوت و ضعف موجود در روند اجرای احکام و ارائه پیشنهادهایی برای بهبود آن انجام شده است. در این پژوهش، ضمن بررسی یک پرونده واقعی، به نقد و تحلیل رأی بدوی و اجراییه صادره از دادگاه و مراحل اجرای حکم پرداخته می‌شود. هدف نهایی این تحقیق، ارائه راهکارهایی عملی برای بهبود کارایی و اثربخشی دستگاه اجرای احکام و درنهایت، ارتقای سطح عدالت قضایی است.

به‌طور خلاصه، این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤالات است که «چه موانعی بر سر راه اجرای صحیح و به‌موقع احکام وجود دارد؟» و یا «چه پیشنهادهایی برای بهبود روند اجرای احکام می‌توان ارائه داد؟». با پاسخ به این سؤالات می‌توان گامی مؤثر در جهت تقویت فرایند قضایی و احقاق حقوق شهروندان برداشت.

پیشینه پژوهش

از مطالعات پیشین در حوزه موانع اجرای احکام مالی در حقوق ایران، به‌ویژه پژوهش جامع سعید یوسفلی در سال ۱۳۹۲، بر شناسایی و تحلیل موانع قانونی ناشی از قوانین اجرای احکام و نحوه اجرای محکومیت‌های مالی تمرکز داشته است. این پژوهش به‌خوبی نشان داده که چگونه با استفاده از قوانین وضع شده می‌توان روند اجرای احکام را به توقف یا کندی آن منجر ساخت. با این حال، یوسفلی و سایر پژوهشگران در این حوزه، کمتر به رویه عملی و موانعی پرداخته‌اند که ریشه در فقدان مواد قانونی دارند. این خلأهای قانونی، قاضیان را در مواجهه با پرونده‌های اجرایی با چالش‌های تصمیم‌گیری مواجه ساخته و در نتیجه، به صدور آراء متفاوت و گاه متناقضی منجر شده است. عدم وجود قوانین روشن و صریح در این حوزه، نه تنها به تداوم مشکلات اجرایی دامن می‌زند بلکه بر اصل عدالت و اطمینان حقوقی نیز تأثیر منفی می‌گذارد.

لذا، با توجه به اهمیت موضوع و ضرورت تکمیل مطالعات پیشین، پژوهش حاضر بر آن است تا به بررسی دقیق‌تر موانع ناشی از فقدان مواد قانونی در اجرای احکام مالی بپردازد. هدف از این پژوهش، شناسایی این خلأهای قانونی، تحلیل تأثیرات آن‌ها بر روند اجرای احکام و ارائه پیشنهادهایی برای رفع این موانع و بهبود نظام اجرای احکام مالی است. با انجام این پژوهش می‌توان به درک عمیق‌تری از چالش‌های موجود در این حوزه دست یافت و راهکارهای عملی را برای رفع آن‌ها ارائه داد.

روش

در این پژوهش با هدف بررسی کارآمدی نظام اجرای احکام مالی و ارائه راهکارهای بهبود آن، از رویکرد توصیفی-

تحلیلی استفاده شده است. داده‌های موردنیاز پژوهش از طریق مطالعه دقیق یک پرونده قضایی واقعی جمع‌آوری شده است. بدین ترتیب، ضمن بررسی اجراییه صادره از دادگاه و مراحل اجرای حکم، به نقد و تحلیل دقیق این فرایند پرداخته شده است. روش توصیفی-تحلیلی به محقق امکان می‌دهد با بررسی عمیق یک نمونه واقعی، به شناخت دقیق‌تر چالش‌ها و مشکلات موجود در نظام اجرای احکام دست یابد. همچنین، این روش به محقق اجازه می‌دهد تا با استفاده از ابزارهای تحلیل کیفی، به تفسیر و ارزیابی داده‌ها پرداخته و درنهایت، پیشنهادهای عملیاتی را برای بهبود این نظام ارائه نماید.

مبحث اول: مبانی نظری

تعریف اجرای حکم و اجراییه

"اجرا"، مصدر باب افعال از ریشه "جری" است. این واژه به معنای "در جریان انداختن، به انجام رساندن، در دستور کار قرار دادن و به مرحله عمل رساندن" است (عمید، ۱۳۵۰). اجرای حکم به دو صورت اعم و اخص قابل بررسی است. اجرای حکم به معنای اعم به کلیه اقداماتی اطلاق می‌شود که از مرحله ابلاغ اجراییه آغاز شده و تا تحویل مال مورد حکم به محکوم‌له ادامه می‌یابد؛ اما اجرای حکم به معنای اخص به معنای تحقق بخشی به نتیجه نهایی حکم است، یعنی گرفتن مال یا انجام عملیاتی که محکوم‌علیه مکلف به انجام آن است و تحویل آن به محکوم‌له (جعفری لنگرودی، ۱۳۴۶). به عبارت ساده‌تر، اجرای حکم به معنای اعم شامل کلیه مراحل اجرایی است؛ درحالی‌که اجرای حکم به معنای اخص به نتیجه نهایی این فرایند یعنی تحویل مال یا انجام عمل موردنظر اشاره دارد.

یکی از مهم‌ترین نمونه‌های اسناد لازم‌الاجرا، دستور اجراییه صادره از دادگاه است. وقتی دادگاه حکمی را صادر می‌کند، به‌طور معمول، به همراه آن دستوری نیز صادر می‌شود که به‌موجب آن، فرد یا نهادی مکلف به اجرای حکم می‌شود. این دستور که به آن "اجراییه" می‌گویند، به فردی که حکم به نفع او صادر شده است، این اختیار را می‌دهد که با ارائه این دستور به مرجع اجرای احکام، از او بخواهد حکم دادگاه را اجرا کند. ویژگی مهم اجراییه این است که خود به‌تنهایی دارای قابلیت اجرایی است. به عبارت دیگر، دارنده اجراییه نیازی به طی مراحل قضایی دیگری ندارد و می‌تواند مستقیماً با ارائه این سند به مرجع اجرای احکام، درخواست اجرای حکم را نماید. این ویژگی، اجراییه را به یک ابزار قدرتمند برای احقاق حقوق تبدیل کرده است. به‌طور خلاصه، اجراییه سندی است که به فردی که حکم به نفع او صادر شده است، اجازه می‌دهد به‌طور مستقیم و بدون نیاز به طی مراحل قضایی اضافی، حکم دادگاه را اجرا کند. این سند به دلیل قابلیت اجرایی ذاتی خود، از اهمیت ویژه‌ای در روند اجرای احکام برخوردار است (شمس، ۱۳۹۷).

اهمیت نقد

انسان در مسیر تکامل همواره در معرض لغزش است. نقد، همچون چراغی فروزان، راه را بر او روشن می‌کند. با پذیرش نقد، نه تنها به نقاط ضعف خود پی می‌بریم بلکه به شناخت عمیق‌تری از خود و جهان پیرامون دست می‌یابیم. نقد، ابزاری قدرتمند برای رشد فردی و اجتماعی است که با شناسایی نقاط قوت و ضعف، مسیر پیشرفت را هموار می‌سازد. از این رو، نقدپذیری، نه تنها نشانه ضعف نیست بلکه گواهی بر بزرگی روح و اراده قوی برای تغییر و تحول است. با نقد سازنده می‌توانیم به پتانسیل‌های نهفته خود دست یابیم و درنهایت به فردی کامل‌تر و جامعه‌ای بهتر دست پیدا کنیم (شعبانپور و کونینی، ۱۳۹۳). نقد روند اجرا، فرایندی است که طی آن، کلیه مراحل اجرای یک حکم قضایی از بدو صدور تا مرحله نهایی اجرا، به‌دقت مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد. اهمیت این فرایند در تضمین اجرای صحیح

احکام قضایی، ارتقای کیفیت خدمات قضایی و پیشگیری از تضییع حقوق اشخاص، بر همگان آشکار است. از طریق نقد می‌توان به شناسایی دقیق موانع و نواقص موجود در موضوع بحث پرداخته و با اتخاذ تدابیر اصلاحی مناسب، زمینه را برای اجرای بهینه احکام و احقاق حقوق تضییع شده فراهم آورد. به علاوه، نقد اسناد قضایی به عنوان ابزاری کارآمد، کمک شایانی به افزایش آگاهی و دانش حقوقی جامعه کرده و موجب ارتقای سطح آگاهی حقوق دانان نسبت به قوانین و روند اجرای آن شده است. بی‌تردید، اجرایی شدن بیشتر آن در دستگاه قضایی، گامی مؤثر در جهت تحقق عدالت قضایی و افزایش اعتماد و آگاهی عمومی نسبت به نهاد قضایی خواهد بود.

اهمیت نگارش درست در احکام و اسناد قضائی

نوشتن به‌عنوان یک فرایند پیچیده و چندوجهی، مستلزم هماهنگی دقیق مجموعه‌ای از توانایی‌های شناختی و زبانی است. این فرایند که دربردارنده عناصر دیداری-نوشتاری، زبان‌شناختی و ادراکی است، به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین و درعین حال، ارزشمندترین ابزارهای ارتباطی شناخته می‌شود. به عبارت دیگر، نوشتن به‌مثابه یک زبان حقوقی پیچیده، نیازمند تسلط بر قواعد نحوی، دستوری و معنایی است تا بتوان پیام را به‌صورت دقیق، روشن و مؤثر به مخاطب منتقل کرد. به دلیل پیچیدگی ذاتی این فرایند، نوشتن معمولاً آخرین مهارت زبانی است که افراد به آن تسلط می‌یابند (هامیل و بارتل، ۱۳۸۳). در این راستا می‌توان گفت نوشتن، همچون یک اثر معماری، نیازمند رعایت دقیق اصول ساختاری، نظم و تناسب اجزاء است. تفاوت اصلی نویسنده و معمار در نوع مواد و ابزار کار آنهاست. نویسنده با استفاده از کلمات و ساختارهای زبانی، بنایی ادبی می‌سازد؛ درحالی‌که معمار با استفاده از مصالح ساختمانی، بنایی فیزیکی خلق می‌کند. به بیان دیگر، هر دو این هنرمندان با استفاده از ابزار و مواد خاص خود، به خلق اثری می‌پردازند که در آن، زیبایی‌شناسی و کارکرد به‌طور هم‌زمان مدنظر قرار می‌گیرد. همان‌طور که سمیعی (۱۳۶۹) نیز بر آن تأکید کرده است، تفاوت اصلی این دو هنر در ماهیت مواد و ابزار آنهاست.

همان‌گونه که در فوق به آن اشاره شد، نگارش یک فرایند چندوجهی و پیچیده است. دقت در انتخاب واژه‌ها، رعایت ساختارهای نحوی و دستوری و همچنین، تسلط بر اصطلاحات حقوقی، از جمله عواملی هستند که بر کیفیت و تأثیرگذاری یک متن حقوقی می‌افزایند. احکام و اسناد قضایی به‌عنوان مهم‌ترین ابزارهای اعمال حق و عدالت می‌بایست به گونه‌ای نگارش شوند که هیچ‌گونه ابهام و تفسیر دیگری را برنتابند. بدین ترتیب، نگارش صحیح در حوزه حقوقی، نه تنها به شفافیت و وضوح در انتقال مفاهیم کمک می‌کند بلکه از بروز اختلافات و پیچیدگی‌های بعدی نیز جلوگیری می‌نماید. به عبارت دیگر، نگارش دقیق و موجز در احکام و اسناد قضایی، ضامن استقرار نظم حقوقی و اجرای عدالت به‌صورت عادلانه و بی‌طرفانه خواهد بود.

شرایط اجرای حکم

۱- قطعی شدن حکم: قانون تصریح می‌نماید، اجرای احکامی که قطعی نیستند، مغایر با اصل بنیادین برائت است. این اصل حقوقی حکم می‌کند که هر فرد تا زمانی که جرم ارتكابی او به‌طور قطعی ثابت نشده، بی‌گناه تلقی شود. اعلام عدم قطعیت در یک حکم به معنای آن است که فرض ارتكاب جرم هنوز به‌طور کامل اثبات نشده و اجرای آن پیش از قطعی شدن، به منزله محکوم کردن فردی بوده که ممکن است بی‌گناه باشد. بدین ترتیب، اجرای احکام غیرقطعی، نه تنها با اصول عدالت قضایی در تضاد است بلکه به حقوق اساسی افراد نیز خدشه وارد می‌آورد (شمس، ۱۳۹۰). همچنین، همان‌طور که ماده ۱ قانون اجرای احکام مدنی مقرر می‌دارد، برای اجرای حکم دادگاه، آن حکم باید به مرحله قطعی رسیده باشد؛ به این معنا که تمامی مراحل تجدیدنظرخواهی طی شده و امکان اعتراض به حکم از بین

رفته باشد. این شرط قانونی، تضمینی است برای اجرای احکامی که از نظر حقوقی صحیح و عادلانه بوده و امکان تغییر یا نقض آن‌ها در آینده وجود ندارد.

۲- درخواست محکوم‌له: مطابق ماده ۲ همان قانون اصل بر آن است که حکم مدنی بدون تقاضای ذی‌نفع اجرا نمی‌شود و در هر لحظه ذی‌نفع می‌تواند اجرای آن را متوقف کند. بدون تقاضای ایشان، عملیات اجرایی که مقدمات آن صدور اجرائیه است، صورت نمی‌گیرد. این امر دلالت بر آن دارد که باید حتماً محکوم‌له یا نماینده یا قائم‌مقام قانونی او کتباً این تقاضا را از دادگاه بنماید (یوسفلی، ۱۳۹۲).

شرایط صدور اجرائیه و نحوه اجرای حکم

بر اساس قانون اجرای احکام مدنی، صدور اجرائیه دادگاه منوط به تحقق چهار شرط اساسی است: قطعی بودن حکم، قابلیت اجرای حکم، ابلاغ حکم به محکوم‌علیه و درخواست اجرای حکم از سوی محکوم‌له یا نماینده قانونی او. پس از احراز این شرایط، دادگاه اجرائیه صادر کرده و به محکوم‌علیه ابلاغ می‌نماید. در این مرحله، محکوم‌علیه مکلف است ظرف مهلت قانونی ۱۰ روز نسبت به اجرای حکم اقدام کند. پس از انقضای مهلت قانونی و عدم اجرای حکم از سوی محکوم‌علیه، محکوم‌له می‌تواند با ارائه اجرائیه ابلاغ‌شده به واحد اجرای احکام، درخواست اجرای حکم کند. واحد اجرای احکام نیز موظف است با تشکیل پرونده، مراحل اجرای حکم را آغاز کند (حیاتی، ۱۳۹۰).

قانون‌گذار با هدف تضمین اجرای احکام صادره و احقاق حقوق محکوم‌له، مقررات متنوعی را پیش‌بینی کرده است. بر اساس ماده ۴۱ قانون اجرای احکام مدنی، در صورت عدم اجرای اختیاری حکم توسط محکوم‌علیه، دادورز موظف به اجرای اجباری آن است. همچنین، تبصره ۱ ماده ۳۵ این قانون به محکوم‌له اجازه می‌دهد تا پس از انقضای مهلت مقرر، در صورت عدم معرفی اموال قابل توقیف توسط محکوم‌علیه، هر زمان که مالی از وی به دست آمد، نسبت به استیفای حق خود اقدام کند. ماده ۴۹ نیز اختیار توقیف اموال محکوم‌علیه را به محکوم‌له تفویض کرده است. ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی نیز بر تکلیف مرجع اجرا برای شناسایی و توقیف اموال محکوم‌علیه تأکید دارد؛ بنابراین، محکوم‌له می‌تواند پس از انقضای مهلت مقرر، درخواست اجرای حکم را نماید و این حق تا زمان اجرای کامل حکم، به قوت خود باقی است. البته، محکوم‌له مکلف است عملیات اجرایی را تعقیب نماید؛ در غیر این صورت، اجرائیه پس از گذشت پنج سال بلااثر می‌شود. با این حال، حتی در این صورت نیز با درخواست محکوم‌له، اجرائیه جدیدی صادر و عملیات اجرایی مجدداً آغاز خواهد شد (شمس، ۱۳۹۷).

چالش‌های موجود در رویه اجرای احکام مالی

رویه اجرای احکام در ایران با وجود وجود قوانین مدون و تلاش‌های صورت‌گرفته برای بهبود فرایند، همچنان با چالش‌های قابل توجهی مواجه است. پیچیدگی زبان حقوقی، عدم یکپارچگی در نگارش اسناد قضایی، طولانی شدن روند اجرای احکام، مشکلات شناسایی و توقیف اموال محکوم‌علیه، عدم به‌روزرسانی قوانین، کمبود منابع و نیروی انسانی و کمبود آگاهی عمومی از حقوق، از جمله مهم‌ترین موانع در مسیر اجرای مؤثر و عادلانه احکام محسوب می‌شوند. در مقابل، وجود قوانین مشخص، تعیین مهلت قانونی برای اجرا، پیش‌بینی ضمانت‌اجراهای متنوع، حق اعتراض و دفاع برای محکوم‌علیه، امکان تقسیط محکوم‌به و استفاده از فناوری‌های نوین تحت شبکه، از جمله نقاط قوت این رویه به شمار می‌روند. تخصصی شدن شعب اجرای احکام و نظارت بر عملکرد مراجع اجرایی نیز به بهبود این فرایند کمک کرده است. با این حال، برای ارتقای بیشتر دستگاه اجرای احکام، به تلاش‌های مستمر برای رفع چالش‌های موجود و تقویت نقاط قوت نیاز است. ایجاد شفافیت بیشتر در فرایند، ساده‌سازی زبان حقوقی، تسریع روند

اجرا و افزایش آگاهی عمومی از حقوق، از جمله اقداماتی است که می‌تواند به بهبود قابل توجه این دستگاه کمک کند.

مبحث دوم: مطالعه موردی

معرفی پرونده

خواهان طی مراودات تجاری با خواننده، ذی حق سه فقره چک شده که به علت عدم وجود محل در بانک محال‌علیه منجر به صدور گواهی عدم پرداخت وجه چک شده است. لذا، ایشان با ارسال دادخواست به دادگاه عمومی حقوقی محل صالح تحت خواسته مطالبه وجه چک، خسارت تأخیر تأدیه به انضمام خسارات دادرسی و حق الوکاله وکیل نموده است که متعاقب ابلاغ واقعی به خواننده ایشان در جلسه حاضر نشده و نهایتاً منجر به صدور رأی مبنی بر محکومیت خواننده به شرح ذیل گردیده است.

 دادگستری کل استان فارس	<p>«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدُوا»</p> شعبه دادگاه عمومی حقوقی شهرستان شیراز دادنامه	شماره دادنامه: 140312390000018 تاریخ تنظیم: 1403/01/07 شماره پرونده: 140212920004580 شماره بایگانی شعبه: 0202
پرونده کلاسه: 140212920004580 شعبه دادگاه عمومی حقوقی شهرستان شیراز تصمیم نهایی شماره 14031239000001		
خواهان: با وکالت آقای [نام] فرزند [نام] به نشانی استان فارس - شهرستان شیراز - شهر شیراز - خیابان [نام] - تقاطع [نام] - مجتمع [نام] - بلوک [نام] - طبقه [نام] - واحد [نام] - کد پستی 71359 خواننده: آقای [نام] فرزند [نام] به نشانی استان تهران - شهرستان ملارد - ملارد - [نام] خیابان شهید [نام] کوچه [نام] پلاک [نام]		
خواسته ها: 1. مطالبه وجه چک 2. مطالبه خسارت دادرسی 3. مطالبه خسارت تأخیر تأدیه		
بسمه تعالی رأی دادگاه		
در خصوص دادخواست [نام] با وکالت [نام] به طرفیت [نام] به خواسته مطالبه وجه چک (سه فقره چک به شماره [نام] مورخ 140010/013، [نام] مورخ 1402/07/08، شماره 140010/013 مورخ 1402/07/13 و شماره 140010/013450 همگی عهده پست بانک به انضمام خسارات دادرسی و حق الوکاله وکیل) به مبلغ 2,970,000,000 ریال، مطالبه خسارات دادرسی، مطالبه خسارت تأخیر تأدیه با توجه به محتویات پرونده و گواهینامه عدم پرداخت وجه چک از ناحیه بانک محال علیه که حکایت از عدم پرداخت وجه چک می‌نماید و نظر به اینکه خواننده با وصف ابلاغ واقعی اخطاریه در مقابل دعوی خواهان دفاع موثر و موجهی به عمل نیاورده است و نظر به اینکه اصل سند تجاری در ید خواهان حکایت از مدیونیت صادر کننده و ظهور در اشتغال ذمه وی دارد و نظر به اینکه از ناحیه خواننده دلیلی که حکایت از پرداخت وجه چک و برانته ذمه وی نماید ارائه نگردیده است فلذا دعوی خواهان از نظر دادگاه وارد تشخیص و دادگاه با احراز اشتغال ذمه خواننده و استصحاب آن و مستنداً به مواد 310 و 311 و 313 از قانون تجارت و مواد 198 و 519 از قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی و تبصره الحاقی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام به ماده 2 قانون صدور چک حکم به محکومیت خواننده به پرداخت مبلغ 2,970,000,000 ریال بابت اصل خواسته و پرداخت هزینه دادرسی و پرداخت حق الوکاله وکیل طبق تعرفه و خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ سررسید چکها تا زمان اجرای حکم بر اساس شاخص اعلامی از ناحیه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در حق خواهان صادر و اعلام می‌دارد رأی صادره حضوری و ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر در محاکم تجدیدنظر استان فارس می‌باشد.		
رئیس شعبه دادگاه عمومی حقوقی شهرستان شیراز - [نام]		
امضای صادر کننده		
تصویر برابر با اصل است.		
نشانی: استان فارس - شهرستان شیراز - خیابان ملاصدرا - انتهای خیابان شهید جمالی - کدپستی: 7193616431		

با توجه به موضوع خاص بحث، در حوزه قوانین اجرای احکام مدنی و به‌منظور پرهیز از ورود به مباحث حقوقی عام، از ارائه تحلیل جامع و گسترده نسبت به رأی صادره صرف‌نظر می‌نماییم. لذا با رویکردی مختصر و متمرکز، به نقد و بررسی اجمالی این رأی پرداخته و بلافاصله به تشریح مراحل بعدی جریان پرونده خواهیم پرداخت.

نقد رأی از لحاظ ماهیت

رأی صادرشده کاملاً مطابق قوانین ماهوی موجود در این زمینه انشاء گردیده و از این رو به لحاظ نقض رأی اشکالی به آن وارد نیست؛ اما در جهت بهتر شدن آن، مستفاد از قوانین موجود در ارتباط با نحوه صدور رأی مثل ماده ۲۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی که بیان می‌دارد رأی باید دارای مستندات و مواد قانونی که بر اساس آن‌ها صادر شده است، باشد. با توجه به سطر دوازدهم که قاضی محترم با عنایت به رأی وحدت رویه شماره ۸۱۲-۱۱/۴/۱۴۰۰ هیئت عمومی دیوان عالی کشور که در ذیل این متن آمده است، مبنای خسارت تأخیر تأدیه چک را تاریخ سررسید قرار داده و در ضمن مستندات رأی صادرشده بهتر بود از رأی وحدت رویه ۸۱۲ هم نام برده می‌شد که با ملاحظه به مفاد رأی این موضوع به دیده نمی‌آید.

نقد رأی از لحاظ ساختاری و نگارشی

به‌طور کلی، رأی صادره ساختار منسجم و روشنی داشته و با استفاده از زبان حقوقی رسمی، به‌خوبی موضوع دعوی و دلایل حکم را تشریح کرده است؛ به‌صورت کلی شفافیت لازم را برای مخاطب فراهم می‌کند و از جمله نقاط قوت این رأی محسوب می‌شود. با این حال، برای ارتقای کیفیت نگارش و افزایش خوانایی این رأی می‌توان به نکات زیر توجه کرد:

- در سطر دوم و سوم رأی دادگاه عنوان گردیده که سه فقره چک، همه چک‌ها شماره و تاریخ آن ذکر شده؛ اما چک سوم تاریخ عنوان نگردیده. بهتر بود این موضوع از قلم نمی‌افتاد یا همه بدون تاریخ ذکر می‌شد.
 - همان‌طور که مستحضر هستید، در سطرهای پنجم، ششم و هفتم رأی، سه بار عبارت [و نظر به اینکه] پشت سر هم تکرار گردیده که در جهت زیباتر شدن متن نگارنده بهتر بود از کلمات مترادف استفاده می‌شد.
 - در بسیاری از قسمت‌های متن بهتر بود برخی علائم نگارشی مانند ویرگول، نقطه، نقطه‌ویرگول و حتی استفاده ویرگول در جایگاه مناسب در برخی قسمت‌ها بازبینی می‌گردید تا جمله‌ها روان‌تر و خواناتر شوند.
- در ادامه، شرح پرونده بیان می‌گردد که متعاقب صدور رأی بدوی و قطعیت آن به لحاظ عدم تجدیدنظرخواهی محکوم‌علیه با ارسال درخواست اجرای حکم ضمن لایحه تقدیمی تقاضای صدور اجرائیه مطابق ماده ۲ قانون اجرای احکام در امور مدنی شده که تصویر لایحه ارسالی در ذیل این متن قابل مشاهده است.

۱. رأی وحدت رویه شماره ۸۱۲: مطابق ماده ۳ قانون صدور چک ... صادرکننده باید در تاریخ مندرج در چک معادل مبلغ ذکر شده در آن، در بانک محال‌علیه وجه نقد داشته باشد و برابر تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون اخیرالذکر و قانون استفساریه این تبصره مصوب ۱۳۷۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام، مبدأ محاسبه خسارت تأخیر تأدیه بر مبنای نرخ تورم، تاریخ چک است؛ بنابراین، خسارت تأخیر تأدیه وجه چک برابر مقررات مذکور که به‌طور خاص راجع به چک وضع شده است، محاسبه می‌شود و از شمول شرایط مقرر در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ خارج است.

		بسمه تعالی
تاریخ تقدیم: ۱۴۰۳/۰۲/۰۲	کدرهگیری: ۱۴۰۳۲۲۰۶۵۳	شماره پرونده: ۱۴۰۲۱۲۹۲۰۰
پیوست: ندارد	نام پدر: عامر	شماره بایگانی: ۰۲۰
سامانه خدمات الکترونیک قضایی لایحه خدمات قضایی		
ارائه کننده لایحه	نام: عرفان	نام خانوادگی: آریان مقدم
موضوع لایحه	۱. درخواست اجرای حکم	
<h3>ریاست محترم شعبه دادگاه عمومی حقوقی شهرستان شیراز</h3>		
<p>احتراماً به استحضار می‌رساند اینجانب عرفان آریان مقدم با وکالت از شرکت محکوم له پرونده کلاسه _____ ۱۴۰۲۱۲۹۲۰۰ که منجر به صدور دادنامه قطعی شماره ۱۴۰۲۱۲۳۹۰۰۰۰۰ با موضوع مطالبه وجه به مبلغ ۲/۹۷۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال گردیده است و در مورخ ۱۴۰۳/۰۱/۰۷ دادنامه به محکوم علیه ابلاغ گردیده است. لذا از محضر دادگاه محترم درخواست صدور اجراییه استناداً به ماده ۲ قانون اجرای احکام مدنی مورد استدعاست.</p>		
<p>عرفان آریان مقدم</p>		

از این رو، دادگاه پس از بررسی درخواست از نظر گذشت مواعد قطعیت یافتن حکم و احراز شرایط، به عنوان مرجع صالح اقدام به صدور اجراییه نموده که مفصل تر بعد از مشاهده سند مذکور به بررسی و نقد آن پرداخته خواهد شد.

14031242 1402129 1403/02/05	شماره اجراییه: شماره پرونده: شماره بایگانی شعبه: تاریخ تنظیم:	شعبه دادگاه عمومی حقوقی شهرستان شیراز اجراییه		
			دادگستری کل استان فارس	
مشخصات محکوم له / محکوم لهم				
ردیف	نام	نام خانوادگی	نام پدر	آدرس
1				استان فارس - شهرستان شیراز - شیراز - خیابان بست - ساختمان - طبقه - واحد - بن
				مشخصات محکوم علیه / محکوم علیهم
ردیف	نام	نام خانوادگی	نام پدر	آدرس
1				استان تهران - شهرستان کوجه
				مشخصات نماینده یا قائم مقام قانونی محکوم له / محکوم لهم
نام	نام خانوادگی	نام پدر	نشانی	نوع رابطه / محکوم له / محکوم لهم
عرفان	آریان مقدم	عامر	استان فارس - شهرستان شیراز - شیراز	وکیل
			استان فارس - شهرستان شیراز - شهر شیراز	وکیل

محکوم به:

«باسمه تعالی»

به موجب درخواست اجرای حکم به شماره و شماره دادنامه مربوطه 140312390000 محکوم علیه محکوم است به: حکم به محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ 2,970,000,000 ریال بابت اصل خواسته و پرداخت هزینه دادرسی و پرداخت حق الوکاله وکیل طبق تعرفه و خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ سررسید چکها تا زمان اجرای حکم بر اساس شاخص اعلامی از ناحیه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در حق خواهان ونیم عشر دولتی

محکوم علیه مکلف است از تاریخ ابلاغ اجرائیه :

1- طرف ده روز مفاد آن را بموقع اجرا گذارد (ماده 34 قانون اجرای احکام مدنی).
 2- ترتیبی برای پرداخت محکوم به بدهد.
 3- مالی معرفی کند که اجرا حکم و استیفا محکوم به از آن میسر باشد. چنانچه خود را قادر به اجرای مفاد اجرائیه نداند باید ظرف سی روز کلیه اموال خود را شامل تعداد یا مقدار و قیمت همه اموال منقول و غیر منقول، به طور مشروح مشتمل بر میزان وجوه نقدی که به هر عنوان نزد بانکها و موسسات مالی و اعتباری ایرانی یا خارجی دارد به همراه مشخصات دقیق حسابهای مذکور و کلیه اموالی که او به هر نحو نزد اشخاص ثالث دارد و کلیه مطالبات او از اشخاص ثالث و نیز فهرست نقل و انتقالات و هر نوع تغییر دیگر در اموال مذکور از زمان یک سال قبل از طرح دعوای اعسار به ضمیمه دادخواست اعسار به مقام قضائی ارائه نماید والا به درخواست محکوم له بازداشت می شود (مواد 8 و 3 قانون نحوه اجرای محکومیت مالی 1394).
 4- خودداری محکوم علیه از اعلام کامل صورت اموال به منظور فرار از اجرای حکم، حبس تعزیری درجه هفت را در پی دارد. (ماده 34 قانون اجرای احکام مدنی و ماده 20 ق.م.ا و ماده 16 قانون نحوه اجرای محکومیت مالی 1394).
 5- انتقال مال به دیگری به هر نحو با انگیزه فرار از ادای دین به نحوی که باقیمانده اموال برای پرداخت دیون کافی نباشد موجب مجازات تعزیری درجه شش یا جزای نقدی معادل نصف محکوم به یا هر دو مجازات می شود. (ماده 21 قانون نحوه اجرای محکومیت مالی 1394).
 6- چنانچه صورت اموال پس از مهلت سی روز ارائه شود آزادی محکوم علیه از زندان منوط به موافقت محکوم له یا تودیع وثیقه یا معرفی کفیل توسط محکوم علیه خواهد بود. (تبصره 1 ماده 3 قانون نحوه اجرای محکومیت مالی 1394)

بررسی شرح اجراییه از لحاظ ماهوی

اولین نکته قابل ذکر که در بند ۱ اجراییه فوق قابل مشاهده است، قانون‌گذار با هدف تضمین اجرای احکام قضایی و حفظ حقوق اشخاص، مهلت مشخصی را برای اجرای احکام در نظر گرفته است. مطابق ماده ۳۴ قانون اجرای احکام مدنی، محکوم‌علیه مکلف است ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اجراییه، نسبت به اجرای حکم اقدام نماید. این مهلت ده‌روزه، به محکوم‌علیه فرصت می‌دهد به‌صورت اختیاری و بدون دخالت مقام قضایی، نسبت به اجرای حکم اقدام کند. در صورتی که محکوم‌علیه در مهلت مقرر نسبت به اجرای حکم اقدام نکند، قانون‌گذار ضمانت اجرای حقوقی را پیش‌بینی کرده است و به‌موجب آن، محکوم‌له می‌تواند با درخواست از دادگاه، جهت اخذ قهری محکوم‌به اقدام نماید. درواقع، مقام اجرا (مانند دادورز یا مأمور اجرای احکام) با استفاده از ابزارهای قانونی، از قبیل توقیف و فروش اموال منقول و غیر منقول محکوم‌علیه و توقیف دیون ایشان نزد اشخاص ثالث نسبت به اجرای حکم اقدام خواهد کرد (شمس، ۱۳۹۷).

دومین نکته قابل‌بحث در رابطه با بند ۳ اجراییه فوق با هدف تضمین اجرای احکام قضایی و حفظ حقوق اشخاص، قانون‌گذار ضمانت‌های اجرایی کیفری را پیش‌بینی کرده است. یکی از مهم‌ترین این ضمانت‌ها، حبس محکوم‌علیه در صورت عدم اجرای حکم و عدم امکان استیفای محکوم‌به از طریق توقیف اموال است که در ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی به آن اشاره شده است. این ماده، حبس را به‌عنوان آخرین راهکار برای وصول مطالبات محکوم‌له در نظر گرفته و در صورتی که محکوم‌علیه پس از ابلاغ اجراییه و طی مهلت ۳۰ روز نسبت به اجرای حکم اقدام نکند و اموالی نیز برای توقیف نداشته باشد، به درخواست محکوم‌له حبس می‌شود. این ضمانت اجرای کیفری، با هدف ایجاد بازدارندگی و وادار کردن محکوم‌علیه به اجرای تعهدات مالی خود اعمال خواهد شد. البته، قانون‌گذار با در نظر گرفتن حق دفاع محکوم‌علیه، امکان اقامه دعوای اعسار را برای وی فراهم کرده است؛ به این صورت که چنانچه محکوم‌علیه بتواند اعسار خود را ثابت کند، از حبس معاف خواهد شد. مهلت سی‌روزه برای اقامه دعوای اعسار، به محکوم‌علیه فرصت می‌دهد با ارائه مدارک و مستندات، عدم توانایی خود را در پرداخت بدهی اثبات کند. در صورت رد دعوای اعسار، حکم حبس صادر خواهد شد و محکوم‌علیه تا زمان اجرای حکم یا پذیرفته شدن ادعای اعسار یا جلب رضایت محکوم‌له حبس می‌شود. این ضمانت اجرای کیفری، در کنار سایر ضمانت‌های اجرایی مدنی مانند توقیف اموال، نقش مهمی در اجرای احکام قضایی و حفظ حقوق اشخاص ایفا خواهد کرد (شمس، ۱۳۹۷).

در بند سوم اجراییه فوق آمده: در صورتی که محکوم‌علیه در مهلت تعیین‌شده به پرداخت مبلغ محکوم‌به اقدام نکند، مطابق ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی محکوم‌له می‌تواند از دادگاه درخواست کند تا محکوم‌علیه بازداشت شود. این اقدام به‌عنوان یک ضمانت اجرای کیفری در نظر گرفته می‌شود و هدف آن، الزام محکوم‌علیه به اجرای حکم دادگاه است. با این حال، محکوم‌علیه می‌تواند از این مجازات اجتناب کند. اگر وی بتواند ثابت کند که توانایی پرداخت مبلغ محکوم‌به را ندارد (اعسار)، از زندانی شدن معاف خواهد شد؛ اما برای اثبات اعسار، باید شرایط خاصی را احراز کند. بدین ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که عدم اجرای حکم دادگاه در مهلت مقرر می‌تواند منجر به اعمال ضمانت اجرای کیفری حبس علیه محکوم‌علیه شود. این ضمانت اجرا به‌عنوان یک ابزار قانونی برای وادار کردن افراد به اجرای تعهدات مالی خود در نظر گرفته شده است (شمس، ۱۳۹۷).

همان‌طور که مستحضرید، بندهای ۴ الی آخر و مواد استنادی ذکرشده، با تمرکز بر ضمانت اجرای کیفری عدم پرداخت محکوم‌به، به دنبال تشویق محکوم‌علیه به پرداخت داوطلبانه بدهی محکوم‌به هستند. درواقع، ابلاغ اجراییه به محکوم‌علیه به‌عنوان یک اهرم قانونی، می‌تواند تلنگری باشد تا او به اهمیت پرداخت و عواقب عدم پرداخت آن پی ببرد. با این حال، باید توجه داشت که ضمانت اجرای کیفری، علی‌رغم اهمیتشان در نظام حقوقی، ماهیتاً جزئی از

حقوق کیفری هستند و بررسی دقیق آن‌ها مستلزم ورود به مباحث تخصصی این حوزه است. از سوی دیگر، موضوع اصلی این مقاله، در حوزه حقوق خصوصی است؛ بنابراین، پرداختن به جزئیات ضمانت اجرای کیفری، هرچند که می‌تواند بر روند اجرا تأثیرگذار باشد، از حیطه اصلی بحث خارج است.

بر اساس مطالب ارائه شده، نظام اجرای احکام مدنی در ایران، مکانیسم‌های مختلفی را با هدف تضمین اجرای احکام قضایی و حفظ حقوق اشخاص پیش‌بینی کرده است. این مکانیسم‌ها شامل تعیین مهلت مشخص برای اجرای حکم، اعمال ضمانت‌های اجرایی مدنی مانند توقیف اموال و همچنین، ضمانت‌های اجرایی کیفری مانند حبس بوده که هدف اصلی آن، وادار کردن محکوم‌علیه به اجرای حکم و پرداخت بدهی است. با این حال، همواره قانون‌گذار حق دفاع از محکوم‌علیه را نیز در نظر گرفته و امکان اعتراض و اثبات اعسار را برای او فراهم کرده است. در نتیجه، این نظام، ترکیبی از سخت‌گیری در اجرای احکام و درعین حال، رعایت اصول عدالت و انصاف است. با وجود این، چالش‌هایی همچون طولانی شدن روند اجرا، مشکلات ناشی از اجرای احکام علیه اشخاص حقوقی و کمبود منابع، بر کارایی آن تأثیرگذار است.

به منظور جلوگیری از طولانی شدن کلام، در ادامه به صورت مختصر و مفید بر نقد جنبه‌های نگارشی نوشتار متمرکز خواهیم شد. در این تحلیل، ساختار کلی مقاله، انسجام جملات، وضوح عبارات و همچنین، رعایت قواعد نگارشی مورد بررسی قرار می‌گیرد. پس از این ارزیابی، به طور مستقیم به نقد ادامه روند اجرای حکم مورد بحث پرداخته خواهد شد تا بتوانیم در زمان کوتاه‌تر، به مهم‌ترین نکات این پژوهش بپردازیم.

نقد سند اجراییه صادرشده

در رأی صادره، با ارجاع به سطر ششم از پایین شرح اجراییه و استناد به عبارت اختصاری "ماده ۳۰ ق.م.ا"، شاهد به کارگیری اصطلاحی حقوقی هستیم که ممکن است برای عموم مردم، مبهم و نامفهوم باشد. استفاده از چنین اختصارات حقوقی در اسناد قضایی، قبل از ارائه ساختاری منسجم از ارائه عبارات اختصاری، می‌تواند قابلیت فهم رأی را برای غیر حقوقدانان کاهش داده و به تبع آن، به شفافیت و دسترسی آسان به محتویات رأی لطمه وارد نماید. به منظور رفع این ابهام و ارتقای سطح درک عمومی از مفاهیم حقوقی، پیشنهاد می‌شود به جای استفاده از اختصارات، عبارت کامل قانون موردنظر، یعنی "قانون مجازات اسلامی" ذکر گردد. استفاده از اختصارات الفبایی و سرواژه‌ها در زبان‌های علمی روزبه‌روز رواج بیشتری می‌یابد. برخی زبان‌ها به قدری از این ابزار زبانی بهره می‌برند که گویی زبانی در دل زبان اصلی شکل گرفته است. متأسفانه، زبان فارسی در این زمینه چندان غنی نیست و نبود اختصارات و سرواژه‌های بومی، یک نقص محسوب می‌شود. این کمبود باعث می‌شود اختصارات زبان‌های بیگانه به سرعت وارد زبان فارسی شوند و در درازمدت به اصالت آن آسیب برسانند (یزدانی، ۱۳۹۵). "سرواژه‌ها"، حاصل اختصار اصطلاحات و نام‌های زبان‌های خارجی، امروزه چنان در زبان‌های مختلف نفوذ کرده‌اند که گاه از خود واژه‌های کامل شناخته‌تر شده‌اند. این اختصارات پرکاربرد، نه تنها در زبان مبدأ بلکه در سایر زبان‌ها نیز به عنوان جایگزینی برای عبارت کامل به کار می‌روند و به بخشی جدایی‌ناپذیر از گفتمان روزمره تبدیل شده‌اند (سمائی، ۱۳۹۰). از این رو، در راستای ایجاد انسجام و یکپارچگی در نظام حقوقی کشور، ضروری است ساختار منسجم و واحدی از عبارات اختصاری قوانین و مقررات ایران، تدوین و به صورت رسمی ابلاغ گردد. با تدوین چنین ساختاری، ضمن کوتاه‌تر شدن متون حقوقی، امکان دسترسی آسان و سریع به مفاهیم حقوقی برای عموم مردم فراهم خواهد شد و سطح آگاهی حقوقی جامعه ارتقا خواهد یافت. در نتیجه، می‌توان به تدریج فرهنگ استفاده از عبارات اختصاری استاندارد و یکپارچه را در میان حقوقدانان نهادینه نمود و از این طریق، گامی مؤثر در جهت شفاف‌سازی و ساده‌سازی زبان حقوقی برداشت.

در رابطه با یکنواختی نگارش اعداد، همان‌طور که در نقد رأی بدوی نیز اشاره شد، بهتر است نگارش اعداد در متن به شکل یکدست باشد؛ یا همه به صورت حروف نوشته شوند یا همه به صورت ارقام. با توجه به متن اجراییه، این موضوع قابل مشاهده نیست.

استفاده از عبارت "مفاد آن را به موقع اجرا گذارد" در بند اول اجراییه، نه تنها مبهم و اضافی است بلکه از لحاظ ادبی نیز چندان روان و شیوا نیست. جایگزینی این عبارت با عبارات دقیق‌تر و کوتاه‌تری مانند "به اجرا بگذارد" یا "اجرا کند"، موجب افزایش وضوح و سادگی متن قانونی می‌شود. با توجه به مهلت ذکر شده در ماده ۳۴ قانون استنادی، استفاده از عبارت به موقع محل اشکال می‌گردد؛ چراکه قید مهلت ده روز برای آگاهی مخاطب کافی بوده است. این مسئله در بسیاری از مواد قانونی قابل مشاهده است که می‌تواند زمینه سوءاستفاده و تفسیرهای متفاوت را فراهم آورد؛ بنابراین، برای ایجاد یک نظام حقوقی شفاف و عادلانه، ضروری است قوانین با زبانی ساده، روشن و دقیق تدوین شوند. این امر، نه تنها به وکلا و قضات کمک می‌کند تا احکام را به شکل بهتر تفسیر و اجرا کنند بلکه به شهروندان نیز امکان می‌دهد از حقوق خود آگاه شده و در صورت نیاز از آنها دفاع کنند. بیان این مسئله نشان می‌دهد که ضرورت بازنگری کلی در ساختار و واژگان قوانین، به‌ویژه در حوزه‌های مرتبط در جهت کاهش حجم و افزایش شفافیت قوانین، به ضرورت احساس می‌شود.

حال پس از ارائه نکاتی در خصوص اجراییه صادره از دادگاه نخستین، به ادامه شرح روند اجرا از زمان صدور اجراییه می‌پردازیم.

با پایان یافتن مهلت قانونی اجراییه صادره از دادگاه بدوی، جهت پیگیری مراحل بعدی، به دادگاه مراجعه شده است. پس از طی مراحل اداری و دریافت مدارک لازم از دفتر شعبه، با این مدارک به واحد اجرای احکام مراجعه شده و با تحویل مستندات و نسخه اجراییه درخواست تشکیل پرونده اجرایی شده است. پرونده پس از ثبت و کلاسه‌بندی در یکی از شعب اجرای احکام، توسط دادورز مورد رسیدگی قرار گرفت و در نهایت، با صدور برگ ابلاغیه‌ای، شعبه و شماره بایگانی پرونده به وکیل محکوم‌له اعلام گردید و امکان ارسال لایحه درخواست استعلام اموال محکوم‌علیه و پیگیری سایر اقدامات قانونی فراهم شد.

شماره ابلاغیه : 1403121000087 شماره پرونده : 140212920004580 شماره بایگانی پرونده : 03003 تاریخ تنظیم: 1403/02/20	بسمه تعالی دادگستری کل استان فارس شعبه اجرای احکام مدنی شهرستان شیراز	
ابلاغ الکترونیکی		
نام عرفان	نام خانوادگی آریان مقدم	شماره ملی: [REDACTED]
نوع ابلاغیه: ابلاغ استحضاری متن ابلاغیه: این نوع ابلاغیه فاقد پیوست می باشد. پرونده شما به شماره بایگانی فوق ثبت گردید جهت عملیات اجرایی با اخذ نوبت اینترنتی از سایت عدل ایران و ثبت درخواست از طریق دفاتر خدمات قضایی به این اجرا مراجعه نمایید.		
صادر کننده ابلاغیه:	سمت: دادورز اجرای احکام شعبه اجرای احکام مدنی شهرستان شیراز - [REDACTED]	امضا صادر کننده ابلاغیه:
- ابلاغیه در تاریخ 1403/02/22 به سامانه ابلاغ ارسال گردید.		

پس از اطلاع از شماره بایگانی شعبه مطروحه، لایحه‌ای تنظیم و به دادگاه ارسال شد. در این لایحه، ضمن استناد به مواد قانونی مرتبط، از دادگاه محترم درخواست شد تا نسبت به استعلام اموال محکوم‌علیه، اقدام و در صورت لزوم، دستور توقیف اموال وی را صادر نماید. همچنین، به منظور جلوگیری از اطاله دادرسی و تسریع در روند اجرای حکم، ضمن همان لایحه، در صورت عدم شناسایی اموال کافی از محکوم‌علیه، درخواست جلب وی را نیز مطرح کرد. این درخواست‌ها با هدف استیفای حق قانونی محکوم‌له و اجرای کامل حکم صادره صورت پذیرفته است.

 <p>سامانه خدمات الکترونیک قضایی لایحه خدمات قضایی</p>	<p>بسمه تعالی</p> <p>شماره پرونده: ۱۴۰۲۱۲۹۲۰۰ شماره بایگانی: ۰۳۰۰</p>	<p>تاریخ تقدیم: ۱۴۰۳/۰۳/۰۷ کدرهگیری: ۱۴۰۳۱ پیوست: ندارد</p>
<p>ارائه کننده لایحه: نام: عرفان</p>	<p>نام خانوادگی: آریان مقدم</p>	<p>نام پدر: عامر</p>
<p>موضوع لایحه: ۱. درخواست استعلام</p>		
<p>ریاست محترم شعبه اجرای احکام حقوقی شهرستان شیراز</p> <p>با سلام و احترام</p> <p>احتراما به استحضار می‌رساند اینجانب عرفان آریان مقدم به وکالت از کلاسه بایگانی ۰۳۰۰ مطروح در آن شعبه که منجر به صدور برگ اجرائیه شماره ۱۴۰۳۱۲۴۲۰۰۰۰ محکوم له پرونده گردیده است که حسب ابلاغ به محکوم علیه آقای بعد از گذشت مهلت قانونی ده روز بدون عذر موجهی از اجرای حکم خودداری می‌کند. لذا اینجانب با تقدیم این لایحه تقاضا دارم دستور فرمایید، از اموال بلا معارض خواند اعم از حساب بانکی، املاک و یا خودرو استعلام ثلاثه بعمل آمده و همچنین تقاضای اعمال ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی و اعمال ماده ۵۱ قانون اجرای احکام مدنی مبنی بر توقیف اموال محکوم علیه را خواستارم؛ در صورت نداشتن یا عدم دسترسی به هریک از موارد فوق متعاقبا صدور حکم جلب مستندا به ماده ۳ نحوه اجرای محکومیت های مالی مورد استدعاست.</p> <p>با تشکر و احترام مجدد</p>		
<p>عرفان آریان مقدم</p>		

با عنایت به درخواست و کیل خواهان مبنی بر استعلام از اموال منقول و غیر منقول محکوم علیه، از جمله حساب های بانکی در کلیه بانک های کشور، املاک ثبت شده در سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و خودروهای متعلق به وی در سازمان راهنمایی و رانندگی، مقام اجرای احکام، دستور استعلامات لازم را صادر فرمودند. در گام نخست، دادورز اجرای احکام با انجام استعلام سیستمی از سازمان ثبت اسناد و املاک، نسبت به شناسایی املاک غیر منقول محکوم علیه اقدام نمود که نتیجه آن، عدم وجود مال غیر منقول به نام وی بود. سپس، با صدور مکاتبات لازم به کلیه بانک هایی که محکوم علیه در آن ها حساب داشت، درخواست استعلام موجودی حساب و توقیف تا میزان محکوم به و هزینه های اجرایی به عمل آمد. با توجه به عدم وجود موجودی کافی در حساب های بانکی محکوم علیه، دادورز اجرای احکام در مرحله بعدی، با استعلام از سازمان راهنمایی و رانندگی، نسبت به شناسایی خودروهای متعلق به محکوم علیه اقدام نمود. بر اساس پاسخ واصله از این سازمان، یک دستگاه خودروی پراید به نام محکوم علیه شناسایی گردید. لذا، دادورز محترم با تنظیم نامه ای به ریاست اداره راهنمایی و رانندگی استان فارس، درخواست توقیف سیستمی و فیزیکی این خودرو را به منظور تأمین حقوق موکل این جانب و استیفای محکوم به صادر نمود. تصویر نامه مذکور جهت استحضار، ذیل این بند پیوست می گردد.

یا برای پرداخت بدهی خود اقدام کند یا اموالی را معرفی کند. اگر این کار را نکند و از فرصت قانونی برای درخواست اعسار (ناتوانی در پرداخت) استفاده نکند، قانون امکان بازداشت او را فراهم می‌کند. حتی اگر محکوم‌له (کسی که به نفع او حکم صادر شده است) از حق قانونی خود برای شناسایی اموال محکوم‌علیه استفاده نکند، باز هم می‌تواند درخواست بازداشت وی را داشته باشد.

با توجه به فقدان الزام قانونی برای قضاات جهت تمکین از نظریات مشورتی قوه قضاییه، این نظریات صرفاً جنبه پیشنهادی داشته و برای قضاات محترم لازم‌الاتباع نیست. لذا، ضروری است با اصلاحات قانونی مناسب، ضمن رفع ابهامات موجود در قوانین و مقررات، به نظریات مشورتی قوه قضاییه به‌عنوان یک منبع معتبر و راهنما برای قضاات، جایگاه قانونی مستحکمی بخشیده شود. این امر، نه تنها به شفافیت و یکپارچگی رویه‌های قضایی کمک شایانی خواهد کرد بلکه موجب تسریع در رسیدگی به دعاوی و احقاق به‌موقع حقوق افراد خواهد شد. درواقع، تصویب قانونی که در صورت نبود نص صریح قانونی، نظریات مشورتی را برای قضاات لازم‌الاجرا نماید، گامی مؤثر در جهت ارتقای عدالت قضایی و کاهش اطاله دادرسی خواهد بود.

مبحث آخر: تحلیل نتایج و ارائه پیشنهادها

خلاصه نتایج به‌دست آمده

پژوهش حاضر، با بررسی دقیق یک پرونده واقعی، به دنیای اجرای احکام مالی در ایران قدم می‌گذارد. این پژوهش، به زبانی ساده و روان، ما را با چالش‌های بزرگی روبه‌رو می‌کند که در این مسیر وجود دارد. از جمله این چالش‌ها می‌توان به طولانی شدن غیرضروری روند اجرا، پیچیدگی‌های قانونی و مشکلات در شناسایی اموال بدهکار اشاره کرد. تحلیل دقیق حکم صادره و مراحل اجرای آن نشان می‌دهد که گاهی اوقات، مشکلاتی در نگارش اسناد قضایی وجود دارد که کار را پیچیده‌تر می‌کند. پژوهشگر با ارائه پیشنهادهایی مثل ساده‌سازی زبان حقوقی و استفاده از فناوری‌های جدید، راهکارهایی برای بهبود روند اجرا ارائه کرده است. این پژوهش می‌تواند همچون یک چراغ‌راهنما، ما را به سمت بهبود روند اجرای احکام هدایت کند.

با این حال، همانند هر پژوهشی، این مطالعه نیز محدودیت‌هایی دارد. برای مثال، بررسی تنها یک پرونده نمی‌تواند تصویر کاملی از همه مشکلات موجود را ارائه دهد. به نظر می‌رسد برای رسیدن به یک دستگاه اجرایی کارآمدتر، نیازمند مطالعات گسترده‌تر و عمیق‌تری هستیم که به بررسی همه جوانب این موضوع بپردازد. شاید بتوان با بررسی بیشتر پرونده‌های مختلف، به درک بهتری از دلایل اصلی این مشکلات دست یافت و راهکارهای دقیق‌تری را ارائه داد.

اموال محکوم‌علیه تقاضا نکند و مستقیماً تقاضای جلب محکوم‌علیه را داشته باشد، آیا مرجع مجری حکم می‌تواند بدون تحقیقات برای شناسایی اموال محکوم‌علیه، صرفاً با دریافت تقاضای جلب از ناحیه محکوم‌له مستقیماً محکوم‌علیه را جلب نماید؟ اگر محکوم‌له شخصاً و طوعاً تقاضای شناسایی اموال محکوم‌علیه را نماید، آیا محکوم‌له بایستی حتماً و لاجرم درخواست شناسایی اموال محکوم‌علیه را ارائه دهد یا اینکه برای این عمل مختار است؟ حال اگر درخواست شناسایی اموال محکوم‌علیه را ننموده، تکلیف مرجع اجراکننده رأی چیست؟

نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه - الف و ب: با توجه به اینکه برابر ماده ۳۴ قانون اجرای احکام مدنی، محکوم‌علیه مکلف است ظرف ده روز مفاد آن اجراییه را به‌موقع اجرا بگذارد یا ترتیبی برای پرداخت محکوم‌به بدهد یا مالی معرفی کند که اجرای حکم و استیفای محکوم‌به از آن میسر باشد ... و با عنایت به اینکه برابر ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴، چنانچه محکوم‌علیه تا سی روز پس از ابلاغ اجراییه ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود، دعوای اعسار خویش را اقامه کرده باشد، حبس نمی‌شود؛ بنابراین، هرگاه محکوم‌علیه به تکلیف قانونی خود عمل نکند و از فرصت و امتیاز قانونی نیز برای تقدیم دادخواست اعسار استفاده نکند، امکان بازداشت وی برابر ماده ۳ قانون اخیرالذکر فراهم است و عدم استفاده محکوم‌له از اختیار مقرر در ماده ۲ این قانون مبنی بر تقاضای شناسایی اموال محکوم‌علیه، مانع استفاده از حق مقرر برای وی در ماده ۳ یادشده مبنی بر تقاضای بازداشت محکوم‌علیه نیست.

تحلیل نتایج به دست آمده

پژوهش حاضر با بررسی دقیق چالش‌های موجود در نظام اجرای احکام مالی، از جمله طولانی شدن روند اجرا، پیچیدگی زبان حقوقی و عدم شفافیت برخی مفاهیم، به نتایج قابل تأملی دست یافته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نقد و تحلیل اسناد قضایی، نقش کلیدی در شناسایی نقاط ضعف و قوت اجرای این روند دارد. ضرورت ساده‌سازی زبان حقوقی و استفاده از عبارات روشن و واضح، یکی از مهم‌ترین پیشنهادها این پژوهش است که می‌تواند کمک شایانی به افزایش دسترسی به عدالت کند. همچنین، پژوهش حاضر بر اهمیت نظریات مشورتی قوه قضاییه تأکید دارد و ضرورت بخشی جایگاه قانونی مستحکم به این نظریات را مورد توجه قرار می‌دهد. علاوه بر این، اصلاح قوانین و مقررات موجود در حوزه اجرای احکام، به عنوان یکی از راهکارهای اساسی برای بهبود این روند، مورد تأکید قرار گرفته است. نتایج این پژوهش به طور کامل با مبانی نظری ارائه شده در مقدمه مقاله همخوانی داشته و نشان می‌دهد که نقد و تحلیل دقیق اسناد قضایی می‌تواند به بهبود کیفیت و کارایی نظام اجرای احکام کمک کند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی کارآمدی نظام اجرای احکام مالی در ایران و شناسایی موانع و چالش‌های موجود در این فرایند، با مطالعه دقیق یک پرونده قضایی واقعی، به نقد اجراییه صادره و مراحل اجرای حکم پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که علی‌رغم وجود قوانین و مقررات مشخص در حوزه اجرای احکام، این فرایند با چالش‌هایی جدی مواجه است. طولانی شدن غیرمعمول روند اجرا، عدم شفافیت برخی از مفاهیم حقوقی به کاررفته در اسناد قضایی و ناکامی در شناسایی و توقیف اموال محکوم‌علیه، از جمله مهم‌ترین این چالش‌ها هستند. همچنین، نقد اجراییه صادره از نظر شکلی و ماهوی، حاکی از وجود نواقصی در نگارش و محتوای این سند بوده است. با بررسی موردی پرونده مذکور، مشخص شد که علی‌رغم صدور دستور توقیف خودرو، به دلیل عدم همکاری محکوم‌علیه و وجود برخی ابهامات قانونی، روند اجرای حکم با کندی مواجه شده و حقوق محکوم‌له به تأخیر افتاده است.

در مجموع، می‌توان گفت، نظام اجرای احکام مالی در ایران، با وجود نقاط قوت، همچنان با چالش‌هایی مواجه است. برای بهبود کارآمدی این روند، پیشنهاد می‌شود که زبان حقوقی به کاررفته در اسناد قضایی ساده‌سازی شود، قوانین شفاف‌سازی شوند و در صورت وجود ابهام و اختلاف در قانون به نظریات مشورتی و یا ظرفیت‌های دیگر موجود در ایران اعتبار لازم‌الاجرا بخشیده شود. با اجرایی شدن این پیشنهادها می‌توان به بهبود چشمگیر عملکرد همکاری بین دستگاه‌های مختلف و افزایش رضایت‌مندی مراجعین امیدوار بود.

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که اجرای احکام مالی، به عنوان یکی از ارکان اساسی نظام قضایی، نقش مهمی در تحقق عدالت و تأمین حقوق شهروندان ایفا می‌کند؛ بنابراین، بهبود و اصلاح این قوانین می‌تواند یکی از اولویت‌های اصلی دستگاه قضایی باشد. با انجام مطالعات بیشتر و ارائه راهکارهای عملیاتی می‌توان به تدریج به این هدف دست یافت.

منابع

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۴۶). *ترمینولوژی حقوقی*. تهران: نشر گنج دانش.
- حیاتی، علی‌عباس. (۱۳۹۰). *اجرای احکام مدنی در حقوقی کنونی*. تهران: نشر میزان.
- سمائی، سید مهدی. (۱۳۹۰). *سرواژه‌سازی در زبان فارسی و سرواژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی*. *نامه فرهنگستان*، ۱۲(۱)، ۱۲۸-۱۳۳.

- سمیعی، احمد. (۱۳۶۹). آیین نگارش. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شعبانپور، محمد، و کوئینی، فرشته. (۱۳۹۳). اصول و روش های نقد از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه. مجله سراج منیر، ۵(۱۵).
- شمس، عبدالله. (۱۳۹۰). آیین دادرسی مدنی دوره بنیادین. تهران: انتشارات دراک.
- شمس، عبدالله. (۱۳۹۷). اجرای احکام مدنی قواعد عمومی. تهران: انتشارات دراک.
- عمید، حسن. (۱۳۵۰). فرهنگ عمید. تهران: نشر امیرکبیر.
- یزدانی، فاطمه. (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی دو فرآیند سرواژه سازی و اختصار القبایی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- یوسفلی، سعید. (۱۳۹۲). موانع اجرای احکام مالی در حقوق ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین.

Hammill, D. D., & Bartel, N. R. (2004). *Teaching students with learning and behavior problems*. Pro-Ed.

استناد به این مقاله: آریان مقدم، عرفان. (۱۴۰۳). کارآمدی نظام اجرای احکام مالی: بررسی با نقد موردی روند اجرای یک رأی. فصلنامه تحقیقات نوین میان رشته‌ای حقوق، ۴(۴)، ۷۷-۹۵.



Modern Interdisciplinary Research in Law is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.